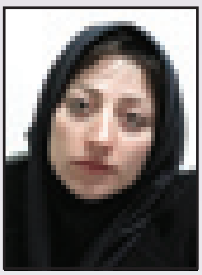

جنبش تصویرگری و قالیچه‌های تصویری

نفیسه حقیقت جوان

«قالیچه‌های تصویری» یا «قالیچه‌های صورتی»، یکی از شاخصه‌های هنر سده دوازدهم هجری (قرن هجدهم میلادی) است که به‌ندرت از آن صحبت و به آن توجه شده است. این قالیچه‌ها در حقیقت شیوه‌ای تازه از به خدمت گرفتن تصاویر چاپی و عکس با کمک تار و پود قالی‌های ایرانی به خصوص در روستاها و مناطق عشایرنشین است.

این قالیچه‌ها حامل نشانه‌هایی از روحیات، هنر و فرهنگ گذشته ایران زمین- دوران قبل از اسلام- است. با ظهور اسلام و تحریم «تصویرسازی» با هدف خشکاندن ریشه‌های بت‌پرستی در میان اعراب، ایرانیان نیز بدون هیچ استثنای از این قوانین تبعیت کردند حال آنکه هنر تصویرگری در والاترین مفهوم خود در میان هنرمندان این سرزمین جلوه‌گر شده بود.

با گذشت زمان و ظهور حکومت جور و ستم اعراب، ایرانیان برای رهایی از تسلط حکام عرب با تکیه بر هنر و فرهنگ غنی ایران شروع به مصور کردن داستان‌های حماسی قبل از اسلام کردند.

این انقلاب هنری در زمان حکومت صفویان به اوج خود رسید. به‌طوری که سرمنشاء ظهور «قالیچه‌های تصویری» را که کمتر به آن پرداخته شده، باید در این دوران جست‌وجو کرد.

با روی کارآمدن سلسله قاجار و به خصوص در زمان سلطنت «فتحعلی شاه»، دامنه فعالیت‌های هنری در ایران گسترش یافت تا جایی که نگارخانه‌های سلطنتی به‌وجود آمدند. با رونق گرفتن کار نقاشان، موضوع تازه‌ای به‌نام «شبیه‌سازی» و به‌خصوص شبیه شاهان و شاهزادگان، مورد توجه واقع شد.

سده سیزدهم و چهاردهم هجری دوران اشاعه هنر تصویرسازی، شبیه‌سازی و طبیعت گرایی است که تاثیر به‌سزایی بر هنر قالی‌بافی گذاشته است. هنر قالیبافی تصویری متاثر از تحولاتی است که در شیوه کار هنرمندان قلمکار پدید آمد. جنبش تصویرسازی سبب شد تا تصاویر داستان‌های کهن کلاسیک ایرانی هم‌چون «رستم و سهراب»، «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» جایگزین گل و بته‌های معمول در پرده‌های قلمکار و فرش‌های نفیس شوند. از آنجایی که پرده‌های قلمکار تصویری به‌لحاظ ابعاد و ترکیب‌بندی، داشتن حاشیه و متن الگوی مناسبی برای قالی‌های تصویری به شمار می‌رفتند به‌همین دلیل این نوع قالیچه‌ها را با نام «پرده» نیز می‌شناسند.

«پرویز تناولی»، (۳ فروردین ۱۳۱۶) مجسمه ساز، نقاش، پژوهشگر، مجموعه‌دار و کارشناس فرش‌ها و بافته‌های عشایری، در کتابی با عنوان «قالیچه‌های تصویری ایران» به‌موضوع بکر هنر تصویرسازی در قالی‌بافی ایران پرداخته است. این کتاب که توسط انتشارات سروش در سال ۱۳۶۸ وارد بازار شد، اوایل سال ۵۷ به ناشر داده شد اما شرایط حاکم آن سال‌های تاریخ کشور سبب به تاخیر افتادن چاپ و انتشار این گنجینه ارزشمند مکتوب شد.

تناولی در پیشگفتار کتابش با اشاره بر این موضوع که هدف از تحریر چنین مجموعه‌ای معرفی و شناساندن بخش ناشناخته‌ای از فرش‌های ایرانی است که در آن‌ها به جای نقش و نگارهای سنتی معمول، پرداختن به انسان و گاه حیوانات در مقیاسی غیرمعمول مورد توجه قرار گرفته است، می‌آورد: «این شیوه از هنر در سنت فرش‌بافی ایران بی‌سابقه است. این که بافندگانی توانسته بودند تصویر آدمی را به‌چنین مرحله‌ای از صفا و سادگی برسانند و از خط و رنگ برای بیان اندیشه‌هایشان و نوازش چشم و روح، بهره‌گیرند اعجاب‌آور

است. به‌خصوص که خالق این آثار اغلب پایین‌ترین قشرهای اجتماع بودند اما از آن‌جایی که بافندگان قالیچه‌های تصویری شرکت فعالآن‌های در جنبش هنری زمان خویش- «جنبش تصویرگرایی»- داشتند سبب فزونی میزان احترام و ارادتم به بافندگان این نوع قالیچه‌ها شد.»

وی تاکید دارد برای درک بهتر هنری که با تار و پود قالی ظهور کرده است، می‌بایست فضا و زمان بافتنشان و دید و سلیقه‌ای که مردم در آن دوران داشته‌اند را مدنظر قرار داد.

بررسی‌ها و تحقیقات تناولی نشان می‌دهد قالیچه‌های تصویری برخلاف انواع و اقسام قالی‌های ایرانی که عموما مرکز

▲ جبرئیل - بلوچ اطراف زابل، اوایل قرن۱۴هجری قمری

توجه غربی‌ها قرار دارند، از نگاه آن‌ها مغفول مانده‌اند و هرگز به این سبک از هنر قالی‌بافی روی خوش نشان نداده‌اند و گاه آن‌ها را «نهایت بدسلیقگی در فرشبافی ایران» خوانده‌اند. حال آن‌که این قالیچه‌ها بخشی از یک جنبش پربار هنری کشور است و سزاوار است که به آن‌ها به دیده آثار هنری نگریسته شود.

تناولی در تحریر این کتاب که مشتمل بر ۹ فصل است، گریزی هم بر تاریخ، ادبیات، میتولوژی، مذهب، عرفان، صوفیگری و مردم‌شناسی در دوره‌های مختلف ایران زده است. وی هم‌چنین رشته‌های هنری و صنعتی هم‌چون نقاشی، کتاب‌های چاپ سنگی، قلمکارسازی و عکاسی را نیز به‌عنوان ضروریات اولیه شناخت قالیچه‌های تصویری مدنظر قرار داده و

◀ حیوانات-تبریز، اوایل قرن ۱۴ هجری قمری

شرح جایگاه آن‌ها در خلق این هنر بدیع پرداخته است.

پرویز تناولی در فصل اول کتاب خود به قالیچه‌های تصویریِ می‌پردازد که محور اصلی آن‌ها چهره پادشاهان است و عموماً با آن‌ها قالیچه‌های «نقش شاهی» گفته می‌شود. «هوشنگ شاه»، «تخت‌جمشید» و «خشایارشا»، «شاپور اول»، «شاه عباس کبیر»، «نادرشاه افشار»، «فتحعلی شاه»، «ناصرالدین شاه»، «محمدعلی شاه» و «احمد شاه» از جمله چهره‌های شاخصی به شمار می‌آیند که تصویر در قالیچه شده‌اند. این موضوع بیان‌کننده این حقیقت است که بافندگان قالیچه‌های تصویری بیش از هر موضوع دیگری به شکل شاهان روی قالیچه‌های خود امیت می‌داده‌اند. این قالیچه‌ها هم از نظر تعداد و هم به خاطر ترکیب‌بندی‌های مختلف پرتعدادترین و متنوع‌ترین دسته‌بندی را تشکیل می‌دهند.

فصل دوم کتاب شامل تصویرهایی برگرفته از داستان‌های حماسی و عشقی ادبیات کلاسیک ایران است. نکته حایز اهمیت در این قالیچه‌ها این است که عمده آن‌ها کار بافندگان شهری است نه هنرمندان عشایری و روستایی. دلیل این موضوع هم چیزی نیست جز این‌که شهرنشینان در مقایسه با روستاییان و عشایر از سواد بیشتری برخوردار بوده و آشنایی بیشتری به داستان‌های مختلف داشته‌اند. ضمن این‌که مردمانی که در شهرها زندگی می‌کردند به مراتب سهل‌تر از روستاها با نقالان، تابلوها، تصاویر و داستان‌های مختلف عامه‌پسندی که در قصابی‌ها، زورخانه‌ها، حمام‌ها و قهوه‌خانه‌ها دهن به دهن می‌چرخیدند، در ارتباط بودند.

موضوعات مذهبی و داستان‌های قرآنی نیز بخش دیگری از کتاب قالیچه‌های تصویری ایران به‌شمار می‌آید. البته تعداد این قالیچه‌ها به دلیل نگرانی فرش‌بافان از زیرپا افتادن صورت پیامبران و امامان، بسیار اندک است اما نقاشان قهوه‌خانه‌های به خصوص از اوایل قرن ۱۳ به شدت از این موضوعات برای خلق آثار هنری خود استقبال کرده‌اند.

فصل چهارم کتاب نیز به قالیچه‌های تصویری اختصاص دارد که عمدتا" مربوط به دراویش و آداب و رسوم آن‌هاست.

از آن‌جایی‌که ارامنه نیز سهم قابل توجهی در جنبش تصویرگرایی ایران دارند، بخش پنجم کتاب به‌طور خاص به ارامنه و قالیچه‌های تصویری و بافندگان خطه قفقاز و نواحی اطراف آن می‌پردازد.

عشایر و قالیچه‌های تصویری نیز موضوع فصل ششم کتاب است. قالیچه‌های تصویری که توسط بافندگان عشایر خلق شده‌اند به دو دسته تقسیم می‌شوند. ۱- قالیچه‌هایی که موضوع آن‌ها را چهره‌های عشایر تشکیل می‌دهند. ترکیب‌بندی این قالیچه‌ها بسیار ساده و تکرار یک تصویر در ردیف‌های منظم دو یا سه ستونی است. ۲- قالیچه‌هایی که اصل موضوع آن‌ها عشایر نیستند اما بافندگان عشایری آن‌ها را از روی قالیچه‌های دیگر یا تصاویری که در دسترشان بوده برداشته‌اند و به مرور به آن‌ها شکل و شمای عشایری داده‌اند.

چهره زنان زیبا که یکی از بخش‌های این کتاب است از شاخصه‌های مجموعه قالیچه‌های تصویری ایران به شمار می‌آید. اگرچه قالیچه‌هایی که موضوع آن‌ها را زنان زیبا تشکیل می‌دهند یکی از گروه‌های کوچک قالیچه‌های تصویری هستند اما گواه این حقیقت هستند که در محدوده زمانی پنجاه‌سال گذشته رویدادها و تحولات اجتماعی بسیاری فرهنگ و هنر ایران را تحت تاثیر قرار داده است که از مهم‌ترین آن‌ها شاید سفر به فراسوی مرزهای ایران به خصوص اروپاست که ره‌آورد آن تقابل فرهنگ ایرانی با فرهنگ و

▲ داستان داود و ساسون- قفقاز، قره باغ، اوایل قرن ۱۴ هجری قمری

باورهای اروپایی است.

فصل هشتم کتاب نیز به‌موضوع جانوران در فرش پرداخته است. اگرچه پیش از این نیز جانوران، پرندگان، گل‌ها و گیاهان در قالی‌های سنتی ایران نقش عمده‌ای را ایفا می‌کردند اما اندازه آن‌ها معمولا کوچک و متناسب با نقش‌های متداول قالی بود ولی در قالیچه‌های تصویری شکل جانوران در مقیاس بزرگ و گاهی به‌صورت موضوع اصلی قالیچه ظهور کرده است. در واقع ریشه و اساس قالیچه‌های «نقش حیوانی»، با دیگر قالیچه‌های تصویری فرق دارد. تعداد معدودی از آن‌ها مثل دو قالیچه «اسب» و «مهتر» منبع الهامی نظیر دیگر قالیچه‌های تصویری دارند و از روی عکس یا تصویر بافته شده‌اند. اما گروه بزرگی از آن‌ها مثل قالیچه‌های «شیردار»، ادامه سنت‌های کهنی هستند که طی سده‌های گذشته حفظ شده است. اغلب آن‌ها کاربردی جدا از کاربرد سایر قالیچه‌های تصویری که معمولا زینت‌بخش دیوارها هستند، دارند. این قالیچه‌ها معمولا روی زمین و داخل چادر انداخته می‌شدند و نقش و نگارهای آن‌ها که عمدتا شیر هستند مفهوم دلاوری و شجاعت را با خود یدک می‌کشند.

فصل پایانی کتاب این به ارائه توضیحات جامعی از شناخت و ساختار قالیچه‌های تصویری پرداخته است. هم‌چنین توصیحات جامعی درباره شناسنامه این قالیچه‌ها داده شده است که به شناخت بیشتر آثاری که درباره آن‌ها صحبت شد، کمک می‌کند.

◀ نیم تنه زن- خمسه ، عرب باصری ۱۳۲۳

▲ شیرین و فرهاد- لیلی و مجنون- همدان ۱۳۳۱